

تحلیل تطبیقی عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی و قانون‌شکنی در استان‌های ایران مبتنی بر منطق فازی^۱

محسن سوهانیان حقیقی،* مجید فولادیان،** حسین اکبری***

(تاریخ دریافت ۹۸/۰۷/۱۵، تاریخ پذیرش ۹۹/۲/۱۵)

چکیده

بر اساس آمارها، پژوهش‌ها و نظرسنجی‌های متعدد، در کشور ایران میزان قانون‌شکنی و قانون‌گریزی زیاد است. در این پژوهش در صدد شناسایی و تبیین عوامل مؤثر بر قانون‌شکنی و قانون‌گریزی در بین استان‌های ایران هستیم. چارچوب نظری پژوهش بر اساس نظریه‌های کج‌رفتاری و توسعه اجتماعی است؛ بر این اساس، عوامل تبیین‌کننده قانون‌گریزی و قانون‌شکنی به دو دسته عوامل نگرشی و عوامل ساختاری تقسیم‌بندی شدند. سپس، از تابع رفتار چلبی برای شناسایی و تبیین ترکیب‌هایی از عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی و قانون‌شکنی در بین استان‌های ایران استفاده شده است؛ بنابراین، رویکرد این پژوهش تحلیل تطبیقی-فازی و تکنیک جمع‌آوری داده‌ها به دلیل وسعت موضوعی و نظری پژوهش، تحلیل داده‌های موجود (ثانویه) است. بر اساس نتایج، با بررسی شروط علی مؤثر بر قانون‌گریزی در کل استان‌های کشور، دو مسیر (ترکیب) منجر به قانون‌گریزی مشاهده شد. در مسیر اول، چهار شرط گرایش به نظم کم، سردرگمی اجتماعی، میزان سواد و بیکاری در ترکیب با یکدیگر به قانون‌گریزی منجر شدند، اما مسیر دوم از ترکیب پنج شرط احساس عدالت کم، گرایش به نظم کم، سردرگمی اجتماعی، سواد و شهرنشینی شکل گرفته است. همچنین، ضریب

^۱ این مقاله برگرفته از نتایج پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول در دانشگاه فردوسی مشهد است.

* کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد

mohsenhaghighi@mail.um.ac.ir

** عضو هیأت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

fouladiyan@um.ac.ir

*** عضو هیأت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد h-akbari@ferdowsi.um.ac.ir

مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره بیستم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۸، ص ۳-۳۲

سازگاری کل در این دو مسیر علی‌برابر با ۰/۹۵ بود. این میزان سازگاری همراه با شاخص پوشش برابر با ۰/۵۹ بیانگر اهمیت نظری و تجربی این دو مسیر است.
مفاهیم اصلی: تحلیل تطبیقی، توسعه اجتماعی، قانون‌شکنی، قانون‌گریزی، کج‌رفتاری، منطق فازی.

مقدمه

در همه جوامع رعایت‌نشدن قانون تاحدی وجود دارد اما زمانی که میزان آن در یک جامعه افزایش یابد، به مسئله‌ای اجتماعی تبدیل می‌شود (رابینگتن و اینبرگ^۱، ۱۳۸۲: ۳۱)؛ زیرا افزایش رعایت‌نشدن قانون، پیامدها، آثار و تبعات بسیار زیادی برای جامعه دارد؛ این در حالی است که تحقق بسیاری از اهداف اجتماعی و سیاسی متضمن رعایت قوانین و مقررات است؛ به‌عنوان نمونه، تحقق اقتدار حاکمیت، هویت ملی، توسعه سیاسی و بسیاری از اهداف اجتماعی و سیاسی دیگر را می‌توان نمونه‌هایی از این ادعا دانست (چلبی، ۱۳۷۵: ۷۳).

در کشور ایران میزان قانون‌شکنی (جرائم و تخلفات عینی و ثبت‌شده) و قانون‌گریزی (ذهنیت منفی افراد درباره قانون و تمایل نداشتن به پای‌بندی به قانون) زیاد است. براساس گزارش سایت پروژه جهانی عدالت^۲ در سال ۲۰۲۰ که حاکمیت قانون را در ابعاد متفاوت از جمله نبود فساد، رشوه و اختلاس، نبود جرم و میزان عدالت حقوقی و کیفری می‌سنجد، شاخص حاکمیت قانون^۳ در ایران برابر با ۰/۴۳ است و کشور ایران در میان بیست کشوری قرار دارد که در این شاخص در سطح پایین قرار دارد (چلبی، ۱۳۹۸: ۲۳). بر مبنای گزارش وضعیت اجتماعی کشور، ایران جزو کشورهایی با بیشترین میزان زندانی (۲۸۳ هزار زندانی به‌ازای صد هزار نفر جمعیت) در جهان است (یوسفی و اکبری، ۱۳۹۵: ۳۴۱). همچنین، حجم پرونده‌های تشکیل‌شده و مختومه در دادگاه، دادسراها و شورای حل اختلاف کشور زیاد (حدود ۱۱ میلیون پرونده در سال) است (همان: ۳۴۳). رتبه ایران در میان کشورهای جهان نشان می‌دهد میزان جرائم سرقت و ضرب و جرح از حد متوسط جهانی بیشتر است (همان: ۳۳۸). از طرفی، نتایج پژوهش‌ها و نظرسنجی‌های گوناگون نشان‌دهنده میزان زیاد قانون‌گریزی در بین ایرانیان آن هم براساس اظهارنظر خودشان است (رضایی، ۱۳۸۴؛ علی‌بابایی و فیروزجائیان، ۱۳۸۸؛ گزارش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ۱۳۹۴). علاوه بر نتایج آماره‌ها و نظرسنجی‌های یادشده، در پژوهش‌های بسیاری نبود حاکمیت قانون در ایران از منظر تاریخی و

^۱. Rubington & Winjberg

^۲. www.worldjusticeproject.org

^۳. WJP Rule of Law Index؛ دامنه متغیر این شاخص برای سال ۲۰۱۶ بین «۰» تا «۱» است؛ یعنی هر قدر عدد از «۱» به «۰» میل کند، حاکی از افزایش وخامت حاکمیت قانون است (چلبی، ۱۳۹۸: ۴۰۷).

نظری تبیین شده است (فیاض، ۱۳۷۸؛ عبداللهی، ۱۳۷۸؛ قاضی‌مرادی، ۱۳۷۸؛ آشتیانی، ۱۳۸۱؛ عبدی، ۱۳۸۱؛ قادری، ۱۳۸۱). همچنین، مسئولان کشور در مقاطع گوناگون به وجود قانون‌گزیزی و قانون‌شکنی در کشور اذعان داشته‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۹۱؛ الفت، ۱۳۹۴).

با توجه به آمارها و نتایج پژوهش‌ها و مطالب ذکرشده می‌توان گفت در کشور ایران هم میزان قانون‌شکنی زیاد است و هم قانون‌گزیزی در جامعه وجود دارد. با وجود پژوهش‌های متعددی که در زمینه قانون‌شکنی و قانون‌گزیزی در ایران انجام شده‌اند، به‌نظر می‌رسد در بیشتر این مطالعات به سه نکته زیر کمتر توجه شده است:

نخست آن‌که، رابطه قانون‌شکنی (جرائم و تخلفات عینی و ثبت‌شده) و قانون‌گزیزی (ذهنیت منفی افراد درباره قانون و تمایل‌نداشتن به پای‌بندی به قانون) بررسی نشده است و حتی گاهی این دو واژه معادل یکدیگر فرض شده‌اند.

دوم آن‌که، پژوهش‌ها در زمینه قانون‌شکنی و قانون‌گزیزی غالباً با روش‌های آماری انجام شده‌اند و علت‌ها به‌صورت مجزا بررسی شده‌اند؛ حال آن‌که در علوم اجتماعی، روابط، بیشتر به‌صورت مجموعه‌ای و نامتقارن تعریف می‌شوند و همچنین علت‌ها به‌صورت ترکیبی عمل می‌کنند و به شکل‌گیری یک رویداد منجر می‌شوند (ریگین^۱، ۱۳۹۴: ۴۷).

سوم آن‌که، میزان قانون‌شکنی و قانون‌گزیزی در استان‌های کشور متفاوت و معنادار است (گزارش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ۱۳۹۴؛ سالنامه آماری کشور، ۱۳۹۴؛ یوسفی و اکبری، ۱۳۹۵)، اما تقریباً هیچ پژوهشی تطبیقی در زمینه تفاوت بین استان‌های کشور از لحاظ قانون‌شکنی و قانون‌گزیزی و تبیین این تفاوت انجام نشده است.

با توجه به مطالب ذکرشده، در این پژوهش قصد داریم براساس مطالعاتی که در زمینه قانون‌گزیزی و قانون‌شکنی در ایران انجام شده‌اند و بر پایه آمارهای موجود و در دسترس در زمینه قانون‌شکنی و نگرش‌سنجی‌های انجام‌شده درمورد قانون‌گزیزی، به تحلیل عوامل مؤثر بر قانون‌گزیزی و قانون‌شکنی در بین استان‌های ایران با استفاده از روش تطبیقی-فازی بپردازیم؛ براین‌اساس، پرسش‌های زیر مطرح می‌شود:

۱. چه ارتباطی بین قانون‌شکنی با قانون‌گزیزی در بین استان‌های کشور وجود دارد؟
۲. کدام عوامل بر قانون‌شکنی/قانون‌گزیزی در استان‌های کشور تأثیر می‌گذارند؟
۳. چه ترکیبات علی بر قانون‌شکنی/قانون‌گزیزی تأثیر می‌گذارند؟

^۱. Ragin

مرور و نقد پیشینه تجربی پژوهش

مطالعات زیادی درباره قانون‌شکنی و قانون‌گریزی در کشور انجام شده‌اند که با توجه به هدف و مسئله این پژوهش، در گام اول، این پژوهش‌ها به دو دسته پژوهش‌های مرتبط با قانون‌شکنی و پژوهش‌های مربوط به قانون‌گریزی تقسیم‌بندی شدند. در گام دوم، متغیرهای مستقل در هر دسته بر حسب این‌که اثر مستقیم (حضور متغیر) یا معکوس (غیاب متغیر) بر متغیر وابسته (قانون‌شکنی/قانون‌گریزی) دارند، از هم تفکیک شدند. در گام سوم، برای سهولت در فهم و ایجاد نمایی روشن‌تر درباره پیشینه پژوهش، متغیرهای مستقل استفاده‌شده در پیشینه، در جدول (۱) به عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و زمینه‌ای دسته‌بندی شدند. در نهایت، در گام چهارم، با استفاده از این دسته‌بندی‌ها پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه نقد و بررسی شدند.

جدول شماره (۱). خلاصه و دسته‌بندی عوامل مؤثر بر قانون‌شکنی و قانون‌گریزی در پیشینه تجربی داخلی و خارجی

متغیر مستقل	اثر	متغیر وابسته
<p>عوامل اجتماعی</p> <p>فردگرایی (علی‌بابایی و فیروزجائیان، ۱۳۸۸؛ حیدری و همکاران، ۱۳۹۰؛ حقیقتیان و فرنام، ۱۳۹۱؛ فیروزجائیان و هاشمی، ۱۳۹۵)، احساس آنومی (رضایی، ۱۳۸۴؛ علی‌بابایی و فیروزجائیان، ۱۳۸۸؛ مظفری‌نیا و همکاران، ۱۳۹۳)، احساس تبعیض و اجرای ناعادلانه قوانین (علی‌بابایی و فیروزجائیان، ۱۳۸۸؛ دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۸۹؛ جوادی یگانه و همکاران، ۱۳۸۹؛ برزگری و چهارگنبدی، ۱۳۹۲؛ فیروزجائیان و هاشمی، ۱۳۹۵)، ازهم‌گسیختگی نهادی (حیدری و همکاران، ۱۳۹۰)، شهرنشینی (عزیزی و پرتویی، ۱۳۹۴)، سرمایه اجتماعی درون‌گروهی (خدایاری و همکاران، ۱۳۹۶)</p> <p>عوامل اقتصادی</p> <p>بیکاری (علی‌بابایی و فیروزجائیان، ۱۳۸۸؛ دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۸۹؛ محمدی و علم‌محمدی، ۱۳۹۲؛ عزیزی و پرتویی، ۱۳۹۴)، احساس نابرابری اقتصادی (علی‌بابایی و فیروزجائیان، ۱۳۸۸؛ دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۸۹؛ مختاری و قهرمانی، ۱۳۹۰)</p> <p>عوامل فرهنگی</p> <p>نگرش منفی به مجریان قانون و سیاست‌مداران (علی‌بابایی و فیروزجائیان، ۱۳۸۸؛ فیروزجائیان، ۱۳۸۹؛ دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۸۹)، ازبین‌رفتن قبح قانون‌شکنی (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۸۹)، اولویت مسائل مادی در نظام ترجیحات (جوادی</p>	مستقیم	قانون‌گریزی

تحلیل تطبیقی عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی و قانون‌شکنی در استان‌های ایران مبتنی بر منطق فازی

متغیر وابسته	اثر	متغیر مستقل
		<p>یگانه و همکاران، ۱۳۸۹؛ حیدری و همکاران، ۱۳۹۰؛ برزگری و چهارگنبدی، ۱۳۹۲)، میزان رواج زور (رضایی، ۱۳۸۴)، خاص‌گرایی (رضایی، ۱۳۸۴)، استفاده از رسانه‌های جمعی (میرفردی و فرجی، ۱۳۹۵؛ کورت و هابکر^۱، ۲۰۱۷)</p> <p>عوامل سیاسی</p> <p>اجرایی‌نبودن قوانین (علی‌بابایی و فیروزجائیان، ۱۳۸۸)، تغییرات پی‌درپی قوانین (علی‌بابایی و فیروزجائیان، ۱۳۸۸؛ برزگری و چهارگنبدی، ۱۳۹۲)، استفاده ابزاری از قوانین (علی‌بابایی و فیروزجائیان، ۱۳۸۸)، طولانی‌بودن، پیچیده‌بودن و هزینه‌بربودن فرایندهای قانونی (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۸۹)</p> <p>عوامل زمینه‌ای</p> <p>مردبودن (علی‌بابایی و فیروزجائیان، ۱۳۸۸؛ مختاری و قهرمانی، ۱۳۹۰؛ حقیقتیان و فرنام، ۱۳۹۱؛ میرفردی و همکاران، ۱۳۹۴؛ عزیزی و پرتویی، ۱۳۹۴؛ میرفردی و فرجی، ۱۳۹۵) مجردبودن (علی‌بابایی و فیروزجائیان، ۱۳۸۸؛ مختاری و قهرمانی، ۱۳۹۰؛ میرفردی و همکاران، ۱۳۹۴؛ میرفردی و فرجی، ۱۳۹۵)</p>
معکوس		<p>عوامل اجتماعی</p> <p>پای‌بندی گروه خانواده و دوستان به قانون (محمدی و علیمحمدی، ۱۳۹۲؛ عزیزی و پرتویی، ۱۳۹۴)، طبقه اجتماعی (علی‌بابایی و فیروزجائیان، ۱۳۸۸؛ محمدی و علیمحمدی، ۱۳۹۲؛ برزگری و چهارگنبدی، ۱۳۹۲؛ عزیزی و پرتویی، ۱۳۹۴؛ بوستا^۲ و همکاران، ۲۰۱۶)، مشارکت اجتماعی شهروندان (برزگری و چهارگنبدی، ۱۳۹۲؛ میرفردی و همکاران، ۱۳۹۴؛ میرفردی و فرجی، ۱۳۹۵) رفاه اجتماعی (علی‌بابایی و فیروزجائیان، ۱۳۸۸)، عدالت رویه‌ای (فیروزجائیان، ۱۳۸۹) مسئولیت‌پذیری اجتماعی (میرفردی و همکاران، ۱۳۹۴)، احساس تعلق اجتماعی (مختاری و قهرمانی، ۱۳۹۰)، سرمایه اجتماعی برون‌گروهي (زارع شاه‌آبادی و ترکان، ۱۳۹۰؛ مظفری‌نیا و همکاران، ۱۳۹۳؛ خدایاری و همکاران، ۱۳۹۶)</p> <p>عوامل فرهنگی</p> <p>تصور از میزان اعمال نظارت (رضایی، ۱۳۸۴؛ علی‌بابایی و فیروزجائیان، ۱۳۸۸؛ دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۸۹؛ حقیقتیان و فرنام، ۱۳۹۱؛ محمدی و علیمحمدی، ۱۳۹۲؛ مظفری‌نیا و همکاران، ۱۳۹۳)، تحصیلات (رضایی، ۱۳۸۴؛ علی‌بابایی و فیروزجائیان، ۱۳۸۸؛ حقیقتیان و فرنام، ۱۳۹۱؛ عزیزی و پرتویی، ۱۳۹۴؛ فیروزجائیان و هاشمی، ۱۳۹۵)، زمان (بوستا و همکاران، ۲۰۱۶)، آگاهی از قوانین (علی‌بابایی و</p>

¹. Kort & Habecker

². Boessena

متغیر وابسته	اثر	متغیر مستقل
		<p>فیروزجائیان، ۱۳۸۸؛ واحدی و همکاران، ۱۳۸۸). اعتقادات دینی و تعهد مذهبی (علی‌بابایی و فیروزجائیان، ۱۳۸۸؛ واحدی و همکاران، ۱۳۸۸؛ محمدی و علیمحمدی، ۱۳۹۲؛ فیروزجائیان و هاشمی، ۱۳۹۵؛ ژینکوان^۱، ۲۰۰۸) سرمایه فرهنگی (علی‌بابایی و فیروزجائیان، ۱۳۸۸؛ آقایی و مهدوی، ۱۳۹۱؛ محمدی و علیمحمدی، ۱۳۹۲؛ محمدی و علیمحمدی، ۱۳۹۲)</p> <p>عوامل سیاسی</p> <p>اعتماد به نظام سیاسی و مجریان قانون (رضایی، ۱۳۸۴؛ علی‌بابایی و فیروزجائیان، ۱۳۸۸؛ فیروزجائیان، ۱۳۸۹؛ جوادی یگانه و همکاران، ۱۳۸۹؛ هلالی و خیاطی، ۱۳۹۱؛ برزگری و چهارگنبدی، ۱۳۹۲)، قطعیت نظام تنبیهی (رضایی، ۱۳۸۴؛ علی‌بابایی و فیروزجائیان، ۱۳۸۸؛ واحدی و همکاران، ۱۳۸۸؛ جوادی یگانه و همکاران، ۱۳۸۹؛ مختاری و قهرمانی، ۱۳۹۰؛ محمدی و علیمحمدی، ۱۳۹۲)، عمومیت قوانین (واحدی و همکاران، ۱۳۸۸)</p> <p>عوامل زمینه‌ای</p> <p>سن (رضایی، ۱۳۸۴؛ علی‌بابایی و فیروزجائیان، ۱۳۸۸؛ مختاری و قهرمانی، ۱۳۹۰)</p>
قانون‌شکنی	مستقیم	<p>عوامل اجتماعی</p> <p>میزان مهاجرت (رزاقی، ۱۳۷۷؛ سمپسون و گروس^۲، ۱۹۸۹)، نظارت اجتماعی غیررسمی (علیوردی‌نیا، ۱۳۸۳؛ سیفی قره‌یتاق و همکاران، ۱۳۹۴)، اعتیاد (علیوردی‌نیا، ۱۳۸۳)، جمعیت (علیوردی‌نیا، ۱۳۸۳)، خلأ قوانین و بی‌هنجاری (آنومی) در جامعه (محسنی، ۱۳۹۱)، ساختار گسسته خانواده (سیفی قره‌یتاق و همکاران، ۱۳۹۴؛ سمپسون و گروس، ۱۹۸۹)، ناهمگونی قومی (سمپسون و گروس، ۱۹۸۹)، معاشرت با مجرمان (سیفی قره‌یتاق و همکاران، ۱۳۹۴؛ فریر^۳، ۲۰۰۹)، فردگرایی (فیروزجائیان و هاشمی، ۱۳۹۵)، سرمایه اجتماعی درون‌گروهی (خدایاری و همکاران، ۱۳۹۶)</p> <p>عوامل اقتصادی</p> <p>صنعتی‌شدن (علیوردی‌نیا، ۱۳۷۷؛ لطفی و فیض‌پور، ۱۳۹۳)، نابرابری درآمدی (رزاقی، ۱۳۷۷؛ ویلسم^۴، ۲۰۰۴)، بیکاری (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۴؛ محسنی، ۱۳۹۱؛ سمپسون و گروس، ۱۹۸۹)</p> <p>عوامل فرهنگی</p>

¹ . Xin-quan

² . Sampson & Groves

³ . Ferrer

⁴ . Wilsem

متغیر وابسته	اثر	متغیر مستقل
		نامناسب دانستن قانون (فیروزجائیان و هاشمی، ۱۳۹۵)، قانون‌گزینی (فیروزجائیان و هاشمی، ۱۳۹۵)
قانون‌شکنی	معکوس	<p>عوامل اجتماعی</p> <p>توسعه شهری (علی‌وردی‌نیا، ۱۳۷۷)، اعتماد اجتماعی (چلیبی و مبارکه، ۱۳۸۴؛ تاکاگی^۱ و همکاران، ۲۰۱۵)، مشارکت مدنی (چلیبی و مبارکه، ۱۳۸۴؛ تاکاگی و همکاران، ۲۰۱۵)، سرمایه اجتماعی برون‌گروهی (مور و ریکر^۲، ۲۰۱۶؛ خدایاری و همکاران، ۱۳۹۶)، منزلت اجتماعی کم (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۴)، مسئولیت‌پذیری اجتماعی (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۴)</p> <p>عوامل اقتصادی</p> <p>تولید ناخالص داخلی (ویلسم، ۲۰۰۴)</p> <p>عوامل فرهنگی</p> <p>تحصیلات (علی‌وردی‌نیا، ۱۳۷۷؛ محسنی، ۱۳۹۱)، مفید دانستن قوانین (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۴؛ محسنی، ۱۳۹۱) دین و مذهب (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۴؛ فیروزجائیان و هاشمی، ۱۳۹۵؛ مور و ریکر، ۲۰۱۶)، آگاهی از قوانین (محسنی، ۱۳۹۱)</p>

همان‌طور که در جدول (۱) مشاهده می‌شود، بر مبنای دسته‌بندی ارائه‌شده سهم عوامل اجتماعی و فرهنگی از سایر عوامل پررنگ‌تر است. همچنین، در بررسی پیشینه تجربی مطالعات داخلی و خارجی پژوهش، نکات و نقدهای زیر طرح‌شدنی است که عبارت‌اند از:

۱. با توجه پژوهش‌های داخلی، تقریباً می‌توان گفت در آن‌ها مرز میان عینیت و ذهنیت نامشخص است؛ به عبارت ساده‌تر، تفکیکی (دست‌کم در لفظ) میان نگرش افراد به قانون و واقعیت رعایت قانون در جامعه صورت نگرفته است. فقط در دو پژوهش اخیر (فیروزجائیان و هاشمی، ۱۳۹۵؛ خدایاری و همکاران، ۱۳۹۶) تاحدی به این دسته‌بندی توجه شده است و در این مطالعات، قانون‌گزینی به دو بعد ذهنی و عینی تقسیم‌بندی شده است؛

۲. در یک دسته‌بندی رایج، انواع قانون‌شکنی را به دو نوع سخت (سرفت، نزاع و درگیری و ...) و نرم (عبور از چراغ قرمز، پرداخت نکردن مالیات و ...) تقسیم‌بندی کرده‌اند (علی‌بابایی و فیروزجائیان، ۱۳۸۸). با توجه به این دسته‌بندی، در بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه قانون‌شکنی، قانون‌شکنی نرم بررسی شده است و در پژوهش‌هایی که قانون‌شکنی سخت بررسی شده است، آن را

¹. Takagi

². Moore & Recker

فقط در یک زمینه (مثلاً فقط سرقت) سنجیده‌اند. در بررسی پیشینه پژوهش، متغیر و شاخصی که قانون‌شکنی سخت را در همه ابعاد سنجیده باشد مشاهده نشد؛

۳. با بررسی پژوهش‌های گذشته می‌توان گفت موضوع قانون‌شکنی و قانون‌گریزی تقریباً در تمام استان‌های کشور و در بین دسته‌های متفاوت افراد اعم از دانشجویان، شهروندان، کارمندان و ... مطرح است، اما بین نوع قانون‌شکنی و قانون‌گریزی روی داده در هر دسته و متغیرهای تبیین‌کننده آن‌ها تفاوت‌هایی وجود دارد؛

۴. با نگاهی به پیشینه مطالعات خارجی پژوهش به نظر می‌رسد در کشورهای بررسی‌شده موضوع قانون‌شکنی و وقوع جرم بیشتر از قانون‌گریزی به‌عنوان مسئله‌ای اجتماعی مطرح است؛

۵. در پژوهش‌ها، بیشتر نسبت فرد با قانون سنجیده شده است و واحد تحلیل بیشتر آن‌ها «فرد» است و نبود تحلیل‌هایی در سطوح میانه و کلان مشاهده می‌شود؛

۶. بیشتر پژوهش‌های ذکر شده در پیشینه مطالعات داخلی، به جامعه شهری ایران محدود است. همچنین، طبق بررسی‌ها، دست‌کم از سال ۱۳۷۷ به بعد هیچ پژوهش تطبیقی بین شهرها و استان‌های کشور در زمینه موضوع پژوهش مشاهده نشد.

چارچوب نظری پژوهش

چارچوب نظری این پژوهش با محوریت نظریه کج‌رفتاری چلبی نگاشته شده است و در کنار آن از چهار نظریه کج‌رفتاری دورکیم، کج‌رفتاری مرتن، نظریه‌های مرتبط با توسعه اجتماعی و نظریه عدالت رویه‌ای تیلور نیز استفاده شده است.

براساس نظریه کج‌رفتاری چلبی، رفتار به‌طور عام و قانون‌شکنی به‌طور خاص می‌توانند تابعی از دو سازه «فرصت» و «نیاز» باشند. نیاز زیاد می‌تواند شرط لازم برای قانون‌گریزی و قانون‌شکنی را فراهم کند. از یک‌سو، فرصت‌های کم یا نامتناسب مانع ارضای نیازها می‌شوند و این خود سبب شکل‌گیری نیازهای بی‌پاسخ می‌شود. از سوی دیگر، در پاره‌ای موارد، وجود فرهنگ مصرفی و فقدان پرهیزکاری اخلاقی و قناعت موجب شکل‌گیری نیازهای کاذب می‌شود. همچنین، باعث می‌شود نیازها کم‌وبیش خصلتی سیری‌ناپذیر به خود بگیرند. ارضا نشدن نیازهای اساسی در کنار تولید نیازهای کاذب زمینه بروز قانون‌گریزی و قانون‌شکنی را در جامعه فراهم می‌کند. براساس نظریه کج‌رفتاری چلبی، «فرصت» سازه دیگری است که رفتار قانون‌شکنانه را شکل می‌دهد. فرصت‌ها را می‌توان در دو بُعد مادی و سیاسی بررسی کرد. در بُعد فرصت‌های مادی، بیکاری و نبود دسترسی به ابزارهای معیشتی زندگی برای رفع نیازهای اصلی (متناسب با سطح توسعه جامعه) می‌تواند به استیصال و انواع ناکامی منجر شود. ناکامی‌های حاصل نیز به‌نوبه خود می‌تواند منشأ بروز انواع

رفتارهای قانون‌شکنانه مانند دزدی، نزاع و درگیری و نظایر آن شوند (چلبی، ۱۳۸۶: ۱۰۵). اگر کاستی ابزار معیشتی از نابرابری اجتماعی ناشی باشد در این صورت تبعات آن برای جامعه بیشتر خواهد بود؛ زیرا در اثر مقایسه اجتماعی، کاستی ابزار معیشتی تولید محرومیت نسبی و احساس بی‌عدالتی می‌کند که این دو نیز تولید خشم اخلاقی می‌کنند. این نوع خشم نیز ممکن است به دو شیوه ظاهر شود: یکی به صورت اعتصاب، شورش و جنبش‌های سیاسی و دیگری به صورت قانون‌شکنی (چلبی، ۱۳۷۵). مرتن نیز در نظریه کج‌رفتاری خود به این نکته اشاره دارد. او علل ساختاری هم‌نوایی (در این‌جا قانون‌گرایی) و ناهم‌نوایی را (در این‌جا قانون‌شکنی و قانون‌گزینی) به وجود یا نبود شکاف بین اهداف مقبول اجتماعی (برای فرد) و وسایل مشروع دستیابی به آن‌ها وابسته می‌داند (اورو^۱، ۱۹۸۷)؛ براین‌اساس، اگر افراد یک جامعه در برآوردن اهداف خود از راه‌های مشروع ناکام شوند یا احساس ناکامی کنند، برای دستیابی به این اهداف میل به رفتار ناهم‌نوایانه (در این‌جا قانون‌گزینی) در آن‌ها ایجاد خواهد شد و به رفتارهای ناهم‌نوایانه (در این‌جا قانون‌شکنی) روی خواهند آورد (کلینار^۲، ۱۹۶۸؛ مرتن، ۱۹۷۱). همچنین، تیلور در نظریه عدالت رویه‌ای خود شرایطی را بررسی می‌کند که براساس آن مردم از قوانین رسمی جامعه پیروی می‌کنند. براساس نظریه وی، قانون‌گذاران و مجریان قانون ترجیح می‌دهند قوانین پذیرفته‌شده مردم واقع شوند تا این‌که از طریق مجازات و تشویق به آن‌ها تحمیل شوند (تیلور و دارلی^۳، ۲۰۰۰؛ تیلور و فاگان^۴، ۲۰۰۸). بر مبنای این نظریه، عدالت رویه‌ای که شکل‌دهنده ارزش‌ها و نگرش‌های فرد در اطاعت از قانون است در کاهش قانون‌گزینی و قانون‌شکنی نقش اساسی دارد؛ بنابراین، براساس نظریه تیلور هم میزان اجرای عدالت در جامعه و هم احساس عدالت در بین مردم در کاهش قانون‌گزینی و قانون‌شکنی نقش مؤثری دارند. افزون‌براین، در بُعد فرصت‌های سیاسی در نظریه کج‌رفتاری چلبی می‌توان به امنیت و احساس آزادی اشاره کرد که جامعه و دولت آن‌ها را فراهم می‌کنند و نبودشان می‌تواند زمینه‌ساز قانون‌گزینی و قانون‌شکنی در جامعه شود. امنیت را می‌توان به‌عنوان فراغت از تهدید تعریف کرد (بوزان^۵، ۱۹۹۱، به نقل از چلبی، ۱۳۸۶: ۱۰۷)؛ براین‌اساس، می‌توان گفت با کاهش امنیت، اضطراب افزایش می‌یابد. اضطراب اجتماعی، تعاون اجتماعی و پیش‌بینی‌پذیری رفتار اجتماعی را کاهش می‌دهد و با کاهش این دو هرج‌ومرج گسترش می‌یابد. با بروز هرج‌ومرج اجتماعی و گرایش به بی‌نظمی، شرایط و فرصت برای قانون‌گزینی و قانون‌شکنی فراهم می‌شود.

¹. Orru

². Clinard

³. Tyler & Darley

⁴. Tyler & Faggan

⁵. Buzan

همچنین، آزادی به‌عنوان یکی دیگر از فرصت‌های سیاسی، بستری را برای انجام‌دادن اهداف مشروع فردی و تحقق حقوق انسانی فراهم می‌کند و نبود آن می‌تواند زمینه قانون‌گریزی و قانون‌شکنی را افزایش دهد. دورکیم نیز در نظریه کج‌رفتاری خود بیان می‌کند ضعف ارزش‌های مذهبی و اخلاقی هم با ایجاد سردرگمی اجتماعی و بی‌نظمی در جامعه و هم از طریق گسترش فردگرایی افراطی در جامعه موجب تمایل به انجام‌دادن رفتار انحرافی (در این‌جا قانون‌گریزی) و درنهایت رفتار انحرافی (در این‌جا قانون‌شکنی) در جامعه می‌شود. (گیدنز^۱، ۱۳۶۸؛ دورکیم، ۱۳۸۱؛ لمان^۲، ۱۳۸۵).

از دیدگاه نظریه‌های توسعه اجتماعی نیز می‌توان به موضوع قانون‌گریزی و قانون‌شکنی ورود کرد. مفهوم توسعه اجتماعی فرایندی حول دو محور و رویکرد است: رویکرد اول، توزیع مجدد امکانات و منابع است (بعد توزیعی) (ازکیا، ۱۳۷۷؛ گلیرز^۳ و همکاران، ۲۰۰۲). رویکرد دوم، به‌رسمیت‌شناختن گروه‌ها و افراد و حضور برابر آن‌ها در جامعه است که اهداف فرهنگی و انسانی توسعه را مدنظر دارد. این کارکرد، حول اهداف فرهنگی نظیر مشارکت، انتخاب، سرمایه اجتماعی و ابعاد آن و نیز برابری اجتماعی است (بعد انسانی) (چلبی، ۱۳۷۵؛ جاکویز و کلورلاند^۴، ۱۹۹۹؛ پوتنام^۵ و همکاران، ۲۰۰۰). در بُعد توزیعی توسعه اجتماعی می‌توان گفت نبود شرایط رفاهی و امکانات مادی و فیزیکی در یک جامعه، زمینه‌های ایجادکننده قانون‌گریزی و قانون‌شکنی در آن جامعه را افزایش می‌دهد. در بُعد انسانی توسعه اجتماعی، با افزایش سطح اعتماد و مشارکت اجتماعی نظم جامعه (که پیروی از قانون یکی از مصادیق آن است) صیغه اجتماعی به خود می‌گیرد. ازطرفی، بی‌اعتمادی به نهادهای حکومتی که وضع‌کننده قوانین رسمی جامعه هستند و افزایش نابرابری اجتماعی، زمینه‌ساز افزایش قانون‌گریزی و قانون‌شکنی در جامعه می‌شوند. در ارتباط بین دو بُعد توسعه اجتماعی باید توجه داشت که ضعف در بُعد انسانی توسعه اجتماعی می‌تواند بر برخی از عوامل در بُعد توزیعی توسعه اجتماعی تأثیر بگذارد؛ ازجمله می‌توان گفت در حالی که نبود سه عامل شهری‌شدن، افزایش سواد و رشد رسانه‌های جمعی باید زمینه‌ساز کاهش توسعه اجتماعی و به تبع آن‌ها، افزایش قانون‌گریزی و قانون‌شکنی در جامعه شود (لرنر^۶، ۱۹۵۷)، اما با کم‌بودن میزان اعتماد (به‌طور خاص، اعتماد به نهادهای قانونی) و افزایش نابرابری اجتماعی در جامعه که از عوامل شکل دهنده بُعد انسانی توسعه اجتماعی هستند (اعتماد زیاد و نابرابری کم)، حضور آن سه عامل

^۱. Giddens

^۲. Lehmann

^۳. Glaeser

^۴. Jacobs & Cleverland

^۵. Putnam

^۶. Lerner

(شهری شدن، افزایش سواد و رشد رسانه‌های جمعی) در کنار افزایش آگاهی، به بی‌اعتمادی بیشتر و تقویت احساس نابرابری و به تبع آن‌ها، افزایش قانون‌گریزی و قانون‌شکنی در جامعه منجر می‌شود. در جمع‌بندی چارچوب نظری پژوهش می‌توان گفت به این دلیل در مطالعات اجتماعی به «نگرش» توجه بسیار شده است که پژوهشگران آن را زمینه انجام‌دادن رفتار می‌دانند (گولد و کولب^۱، ۱۳۷۶: ۱۶۳). براساس چارچوب نظری این پژوهش، چه‌بسا در نگاه اول نظریه‌های کج‌روی که درصدد تبیین رفتارهای انحرافی هستند، برای تبیین قانون‌گریزی که طبق تعریف از سنخ جهت‌گیری است، مناسب نباشد، اما این شکل، ظاهری است و خللی در استفاده از این نظریه‌ها برای تحلیل قانون‌گریزی ایجاد نمی‌کند؛ زیرا، به‌نظر نمی‌رسد در این نظریه‌ها رابطه ساختارها و رفتارهای انحرافی از نوع رابطه‌ای انعکاسی و بازتابی^۲ و از سنخ رابطه محرک-پاسخ موردنظر رفتارگرایانی مانند اسکینر^۳ و هومنز^۴ در نظر گرفته شده باشد. هر رفتار غیربازتابی پیش از بروز، تابع نوع خاصی از جهت‌گیری^۵ است؛ به‌عبارت‌دیگر، عوامل زمینه‌ساز قانون‌شکنی با واسطه شکل‌گیری جهت‌گیری‌های قانون‌گريزانه به قانون‌شکنی منجر می‌شوند؛ بنابراین، دست‌کم به لحاظ نظری می‌توان گفت نگرش افراد به انجام‌دادن رفتار انحرافی (در این‌جا قانون‌گریزی) شرط لازم برای انجام‌دادن رفتار انحرافی (در این‌جا قانون‌شکنی) است. از طرفی، قانون‌شکنی به‌عنوان یک نوع رفتار تابعی از عوامل گوناگون است که این عوامل خود با تبعیت از سازهای تشکیل‌دهنده‌شان به‌صورت منفرد و ترکیبی بر رفتار قانون‌شکنانه اثر می‌گذارند (چلبی، ۱۳۸۶: ۱۰۰)؛ با توجه به عوامل تبیین‌کننده قانون‌گریزی در چارچوب نظری پژوهش، می‌توان آن‌ها را به دو دسته عوامل نگرشی و عوامل ساختاری تقسیم‌بندی کرد. در این پژوهش براساس نظریه‌های ذکرشده و با مبنا قراردادن تابع رفتار چلبی (۱۳۸۶)، به‌دنبال شناسایی و تبیین ترکیب‌هایی از عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی و قانون‌شکنی در بین استان‌های ایران هستیم.

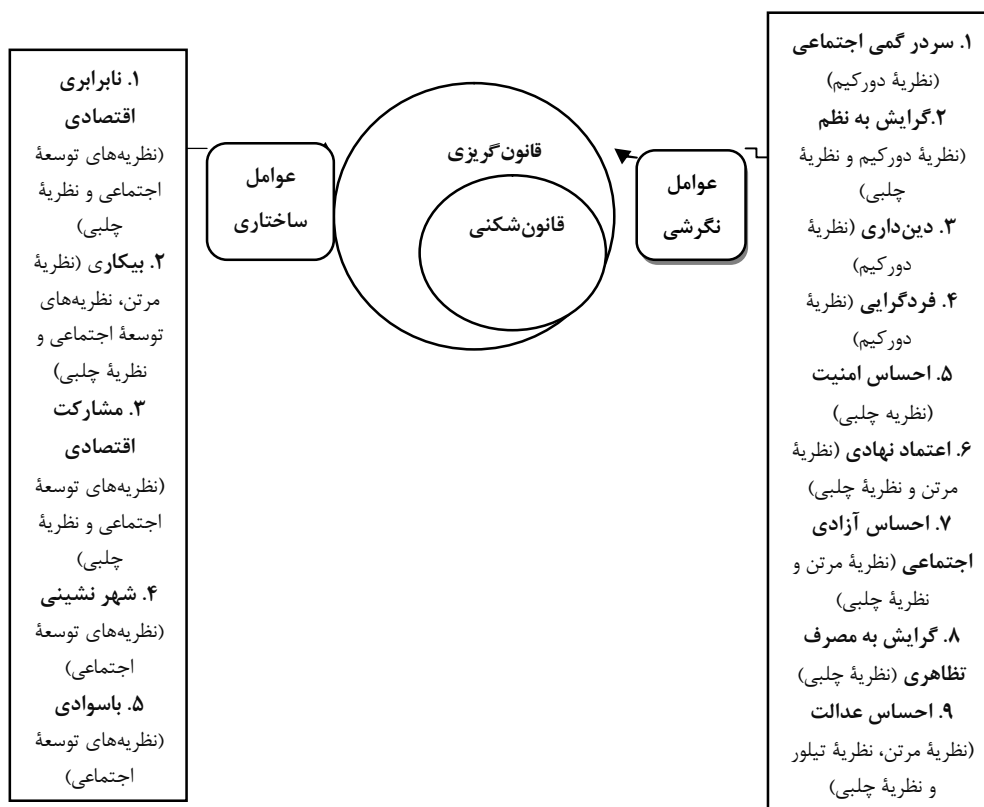
¹. Gould & Kolb

². Reflexive

³. Skinner

⁴. Homans

⁵. Orientation



شکل شماره (۱). شمایی کلی از متغیرهای پژوهش

روش پژوهش

روش این پژوهش با توجه به موضوع و هدف آن، روش تطبیقی با رویکرد فازی است که تحلیل‌ها با کمک داده‌های ثانویه انجام شده است. روش تطبیقی به روشی می‌گویند که با آن به مقایسه واحدهای اجتماعی کلان پرداخته می‌شود (ریگین، ۱۳۸۸: ۳۱؛ غفاری، ۱۳۸۸؛ ساعی، ۱۳۹۲: ۲۳). در این پژوهش، واحد مشاهده هم در سطح فردی (نگرش مردم هر استان) و هم در سطح کلان (عوامل ساختاری مانند میزان بیکاری و شهرنشینی در هر استان) است، اما واحد تبیین تنها در سطح کلان است. روش تطبیقی ترکیبی براساس حضور و غیاب همه متغیرهای مستقل (علت‌ها) در مقابل حضور یا غیاب متغیر وابسته (معلول)، در یک جدول ارزش‌گذاری بررسی می‌شود تا عوامل و ترکیب‌هایی شناسایی شوند که به شکل‌گیری یک رویداد منجر می‌شوند.

مجموعه‌های فازی و مفهوم واسنجش

واسنجش^۱ مجموعه‌های فازی، به‌نوعی سه‌مجموعه‌ای کردن واحدهای مورد مطالعه در مجموعه مرجع است. براین اساس، نقطه آغاز هرگونه واسنجش مجموعه‌ای آن است که مجموعه هدف به‌صورت روشن مشخص شود. سپس، با توجه به تابع عضویت تعریف‌شده، از سه تکیه‌گاه^۲ کیفی مهم، یعنی آستانه عضویت کامل، آستانه نبود عضویت کامل و نقطه برش برای واسنجش استفاده می‌کند. واسنجش و تعیین تکیه‌گاه می‌باید مبتنی بر شناخت یا دانش نظری و جوهری باشد (ریگین، ۱۳۹۴: ۱۱۲)؛ براین اساس، می‌توان عضویت در یک مجموعه را به‌صورت یک پیوستار نشان داد.

شاخص‌های سازگاری^۳ و پوشش^۴

شاخص سازگاری نشان می‌دهد که یک مجموعه چقدر زیرمجموعه دیگری است؛ درواقع، اهمیت نظری رابطه مجموعه‌ای با این شاخص نشان داده می‌شود. دامنه تغییر، شاخص سازگاری بین صفر تا یک است. شاخص پوشش نشان می‌دهد که چقدر از مجموعه پیامد یا معلول توسط هر علت یا مسیر علی (به‌تنهایی) یا توسط ترکیبی از علل پوشانده می‌شود و این شاخص بیانگر میزان اهمیت تجربی علل مورد مطالعه است. دامنه تغییر شاخص پوشش بین صفر تا یک است (ریگین، ۱۳۹۴).

با توجه به این‌که شاخص سازگاری اهمیت نظری علل مورد مطالعه و شاخص پوشش اهمیت تجربی آن را نشان می‌دهد، شاخص پوشش زمانی محاسبه می‌شود که وجود سازگاری در یک رابطه مجموعه‌ای قطعی شده باشد.

به‌منظور واسنجش قانون‌گریزی و قانون‌شکنی و شروط علی مؤثر بر آن‌ها برای بررسی تطبیقی-فازی لازم است که سه تکیه‌گاه کیفی ذکرشده یعنی نقطه عضویت کامل، نقطه تقاطع (برش) و نقطه نبود عضویت کامل برای هر شاخص^۵ با توجه به مجموعه هدف مشخص شده تعیین شود. جدول (۲) بدین‌منظور طراحی شده است.

^۱. Calibration

^۲. براساس بیشتر کتاب‌های مرجع، مقیاس‌های نسبی به‌خاطر اتکا به نقطه صفر واقعی عالی‌ترین شکل سنجش هستند، اما با توجه به تعیین سه تکیه‌گاه در مجموعه‌های فازی و با این فرض که داشتن چنین نقطه اتکایی نشانگر سطح بالاتر سنجش است، باید پذیرفت که یک مجموعه فازی سطح سنجش بالاتری نسبت به یک متغیر با مقیاس نسبی دارد (ریگین، ۱۳۹۴).

^۳. Consistency

^۴. Coverage

^۵. برای ساختن شاخص‌ها از نتایج پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها، سنجش سرمایه اجتماعی کشور و سالنامه آماری کشور در سال ۱۳۹۴ استفاده شده است. برای ساختن شاخص دقیق برای هر عامل به شکلی که وزن هر معرف و گویه

جدول شماره (۲). تعیین مجموعه هدف و سه تکیه‌گاه کیفی شاخص‌های پژوهش

ردیف	شاخص‌ها	مجموعه هدف	حداقل	حداکثر	نقطه عضویت کامل	نقطه تقاطع	نقطه نبود عضویت کامل
۱	قانون‌گریزی	عضویت در مجموعه استان‌هایی که در آن‌ها قانون‌گریزی، زیاد است.	۳۲/۰۷	۶۹/۵۶	۶۳	۴۷	۳۵
۲	قانون‌شکنی	عضویت در مجموعه استان‌هایی که در آن‌ها قانون‌شکنی، زیاد هستند.	۴۳/۶۱	۸۸/۶۳	۷۰	۴۷	۴۵
۳	احساس عدالت	عضویت در مجموعه استان‌هایی که در آن‌ها احساس عدالت، کم است.	۳۰/۷۳	۶۳/۸	۳۳	۵۲	۶۲
۴	احساس امنیت	عضویت در مجموعه استان‌هایی که در آن‌ها احساس امنیت، کم است.	۲۹/۸۲	۶۷/۸۶	۴۰	۵۱	۶۵
۵	اعتماد نهادی	عضویت در مجموعه استان‌هایی که در آن‌ها اعتماد نهادی، کم است.	۲۹/۴	۷۲/۷۴	۳۲	۴۷	۶۶
۶	سردرگمی اجتماعی	عضویت در مجموعه استان‌هایی که در آن‌ها سردرگمی اجتماعی، زیاد است.	۲۳/۶۲	۶۸/۹۴	۶۵	۴۶	۳۱
۷	فردگرایی منفی	عضویت در مجموعه استان‌هایی که در آن‌ها فردگرایی، زیاد است.	۳۱/۱۱	۶۹/۶۵	۶۵	۴۷	۳۳
۸	دین‌داری	عضویت در مجموعه استان‌هایی که در آن‌ها دین‌داری، ضعیف است.	۲۸/۶۹	۶۸/۵۷	۳۵	۵۴	۶۰
۹	گرایش به نظم	عضویت در مجموعه استان‌هایی که در آن‌ها گرایش به نظم، کم است.	۲۹/۵۵	۷۷/۷۹	۳۰	۵۰	۷۰
۱۰	احساس آزادی اجتماعی	عضویت در مجموعه استان‌هایی که در آن‌ها احساس آزادی اجتماعی، کم است.	۳۱/۵۹	۷۵/۳۰	۳۵	۵۰	۶۵
۱۱	گرایش به مصرف تظاهری	عضویت در مجموعه استان‌هایی که در آن‌ها گرایش به مصرف تظاهری، زیاد است.	۱۷/۰۴	۶۸/۳۳	۶۲	۴۹	۳۵
۱۲	بیکاری	عضویت در مجموعه استان‌هایی که در آن‌ها میزان بیکاری، زیاد است.	۷/۳	۲۲	۱۵	۱۱	۷
۱۳	شهرنشینی	عضویت در مجموعه استان‌هایی که در آن‌ها میزان شهرنشینی، زیاد است.	۴۸/۵	۹۵/۲	۹۰	۷۰	۵۰
۱۴	مشارکت اقتصادی	عضویت در مجموعه استان‌هایی که در آن‌ها میزان مشارکت اقتصادی، کم است.	۳۱/۱	۴۳/۸	۳۶	۳۹	۴۲

در آن عامل منظور شود، از تکنیک تحلیل عاملی استفاده شده است. در نهایت، در این پژوهش، همه شاخص‌ها بین صفر تا صد مقیاس یافته‌اند (چلبی و جنادله، ۱۳۸۶: ۱۴۷؛ قاسمی، ۱۳۹۳: ۹۱).

ردیف	شاخص‌ها	مجموعه هدف	حداقل	حداکثر	نقطه عضویت کامل	نقطه تقاطع	نقطه نبود عضویت کامل
۱۵	میزان سوادس	عضویت در مجموعه استان‌هایی که در آن‌ها میزان باسوادی، زیاد است.	۷۶/۰۳	۹۲/۹۱	۹۲	۸۵	۸۰
۱۶	نابرابری اقتصادی	عضویت در مجموعه استان‌هایی که در آن‌ها میزان نابرابری اقتصادی، زیاد است.	۰/۲۴	۰/۳۷	۰/۳۷	۰/۳۲	۰/۲۵

یافته‌های پژوهش

ارتباط میان قانون‌شکنی و قانون‌گزینی

بر اساس مباحث مطرح‌شده در چارچوب نظری پژوهش، قانون‌گزینی شرط لازم برای قانون‌شکنی است. این عبارت با زبان مجموعه‌ها به این شکل بیان می‌شود: قانون‌شکنی در یک استان زیرمجموعه قانون‌گزینی در آن استان است؛ پس، در قالب مجموعه‌های فازی باید درجه عضویت قانون‌گزینی در یک استان کوچک‌تر یا مساوی با درجه عضویت قانون‌شکنی در آن استان باشد؛ به عبارت دیگر، اگر در یک نمودار پراکنش نمره‌های فازی قانون‌شکنی را روی محور Y و نمره‌های فازی قانون‌گزینی را روی محور X نشان دهیم، با رسم قطر اول چهارضلعی باید همه یا بیشتر نقاط زیر قطر اول قرار گیرند؛ البته ممکن است خطای سنجش مانع از آن شده است که همه نقاط در پایین قطر اصلی و دست راست قرار گیرند که می‌توان با کاهش $0/1$ عضویت فازی، این نقص را تا حدودی تعدیل کرد. در شکل (۲) این مطلب بهتر نشان داده شده است.

لازم برای قانون‌گزینی بوده‌اند. همچنین از بین پنج عامل ساختاری و بیرونی، سه عامل شهرنشینی، باسوادی و بیکاری بر قانون‌گزینی در استان‌های کشور مؤثر بودند که از بین آن‌ها، بیکاری و باسوادی، شرط لازم و شهرنشینی شرط کافی برای قانون‌گزینی بوده‌اند. در جدول (۳)، همه عوامل مستخرج از چارچوب نظری پژوهش به‌همراه تعیین نوع شرط هر عامل و اهمیت نظری (سازگاری) و تجربی (پوشش) هر شرط نشان داده شده است.

جدول شماره (۳). تحلیل علی منفرد شروط مؤثر بر قانون‌گزینی در بین استان‌های کشور

اهمیت نظری و تجربی شرط		تعیین اولیه نوع شرط			شرط علی	بعد نظری
شاخص پوشش	شاخص سازگاری	نوع شرط	شاخص کفایت	شاخص ضرورت		
۰/۷۴	۰/۸۵	کافی	۰/۸۵	۰/۷۴	احساس عدالت کم	عوامل نگرشی و ذهنی
-	-	-	۰/۷۴	۰/۷۰	احساس امنیت کم	
-	-	-	۰/۷۴	۰/۵۹	اعتماد نهادی کم	
۰/۷۵	۰/۸۲	لازم	۰/۷۵	۰/۸۲	سردرگمی اجتماعی	
-	-	-	۰/۶۷	۰/۶۶	فردگرایی منفی	
-	-	-	۰/۶۳	۰/۶۷	دین‌داری ضعیف	
۰/۷۴	۰/۸۲	کافی	۰/۸۲	۰/۷۴	گرایش به نظم کم	
-	-	-	۰/۶۰	۰/۵۴	احساس آزادی اجتماعی کم	
-	-	-	۰/۶۴	۰/۶۳	گرایش به مصرف تظاهری	
۰/۶۷	۰/۷۷	لازم	۰/۶۷	۰/۷۷	بیکاری	
۰/۶۵	۰/۷۶	کافی	۰/۷۶	۰/۶۵	شهرنشینی	
-	-	-	۰/۶۷	۰/۵۷	مشارکت اقتصادی کم	
۰/۷۷	۰/۸۲	لازم	۰/۷۷	۰/۸۲	سواد	
-	-	-	۰/۷۴	۰/۵۵	ناابرابری اقتصادی	

بررسی علّیت‌های عطفی و ترکیبی در کل استان‌های کشور

در تحلیل‌های عطفی و ترکیبی شش شرط مؤثر بر قانون‌گزینی بررسی شدند که برای این شروط، نرم‌افزار FSQCA با ایجاد الگوریتم صدق و کذب فازی، ترکیب‌های ممکن شرایط علی را محاسبه کرد و فراوانی موارد را در هر ترکیب نشان داد. از ترکیب این شش شرط، ۱۶۴ حالت یا مسیر ممکن حاصل شد که از این ۶۴ مسیر ممکن، ۱۸ حالت دارای مصادیق تجربی بودند. با توجه به حجم نمونه (۳۱ استان)، مسیرهایی که زیر دو مورد فراوانی (آستانه فراوانی) داشتند از تحلیل حذف شدند که با حذف آن‌ها تنها پنج مسیر باقی ماندند. از بین این پنج مسیر، ترکیب‌هایی که دارای سازگاری بیشتر از آستانه تعیین شده (۰/۸۵)^۲ بودند (سه مسیر)، به‌عنوان مسیرهای منجر به قانون‌گزینی انتخاب شدند که پس از استفاده از قواعد ساده‌سازی فازی، درنهایت دو مسیر به‌عنوان مسیر نهایی در بررسی شروط مؤثر بر قانون‌گزینی باقی ماندند (جدول ۴).

جدول شماره (۴). نتیجه نهایی مسیرهای علی منجر به قانون‌گزینی در کل استان‌های کشور

ردیف	مسیر علی	شاخص مسیر		شاخص کل	
		سازگاری	پوشش	پوشش کل	سازگاری کل
۱	گرایش به نظم کم * سردرگمی اجتماعی * سواد * بیکاری	۰/۹۶	۰/۵۴	۰/۹۵	۰/۵۹
۲	احساس عدالت کم * گرایش به نظم کم * سردرگمی اجتماعی * سواد * شهرنشینی	۰/۹۸	۰/۴۴	۰/۹۵	۰/۵۹

براساس جدول (۴)، در مسیر اول، چهار شرط شامل گرایش به نظم کم، سردرگمی اجتماعی، باسوادی و بیکاری در ترکیب با یکدیگر به قانون‌گزینی منجر می‌شوند، اما مسیر دوم از ترکیب پنج شرط شامل احساس عدالت کم، گرایش به نظم کم، سردرگمی اجتماعی، باسوادی و شهرنشینی شکل می‌گیرد. همچنین، ضریب سازگاری کل در این دو مسیر علی برابر با ۰/۹۵ است. این میزان سازگاری همراه با شاخص پوشش برابر با ۰/۵۹ بیانگر اهمیت نظری و تجربی این دو مسیر است. با توجه به این‌که سه عامل گرایش به نظم کم، باسوادی و سردرگمی اجتماعی در هر دو مسیر حضور

^۱ تعداد مسیرهای ممکن برابر است با 2^n که n تعداد شروط است.

^۲ ریگن در بررسی علّیت‌های ترکیبی مقدار سازگاری بیشتر یا مساوی با ۰/۸۵ را برای داده‌های سطح کلان توصیه می‌کند (ریگن، ۱۳۹۴).

^۳ در این تحلیل، علامت «*» به معنای «و» و «and» منطقی است.

دارند، می‌توان گفت این سه عامل شرط لازم برای قانون‌گزیزی در استان‌های کشور هستند. زیاد بودن میزان این سه عامل در کنار هم می‌تواند زمینه را برای قانون‌گزیزی فراهم کند و این سه عامل به‌همراه بیکاری، ۰/۵۴ از مجموعه قانون‌گزیزی را پوشش می‌دهند؛ یعنی ترکیب این چهار عامل در کنار هم می‌تواند علت ۰/۵۴ از قانون‌گزیزی‌های روی داده در استان‌های کشور باشد. همچنین، این سه عامل به‌همراه شهرنشینی و احساس عدالت کم ۰/۴۴ از مجموعه قانون‌گزیزی را پوشش می‌دهند؛ یعنی ترکیب این پنج عامل در کنار هم می‌تواند علت ۰/۴۴ از قانون‌گزیزی‌های روی داده در استان‌های کشور باشد.

بررسی قانون‌گزیزی براساس سطح توسعه‌یافتگی استان‌های کشور

از آن‌جاکه استان‌های کشور به‌لحاظ سطح توسعه‌یافتگی^۱ از درجات متفاوتی برخوردارند (فولادیان و همکاران، ۱۳۹۷)، احتمالاً مسیرهای علی که به قانون‌گزیزی آن‌ها منجر می‌شود متفاوت است؛ از این‌رو، برای بررسی دقیق‌تر، عوامل مؤثر بر قانون‌گزیزی با توجه به سطح توسعه‌یافتگی استان‌ها بار دیگر بررسی شده است. بدین‌منظور، ۳۱ استان کشور به دو دسته کمتر توسعه‌یافته (۱۴ استان) و بیشتر توسعه‌یافته (۱۷ استان) تقسیم‌بندی شدند. در جدول (۵) دسته‌بندی استان‌های کشور بر این مبنا نشان داده شده است.

جدول شماره (۵). دسته‌بندی استان‌های کشور برحسب سطح توسعه‌یافتگی

استان‌ها ^۲	کمتر توسعه یافته	بیشتر توسعه یافته
	سیستان و بلوچستان، خراسان شمالی، لرستان، خوزستان، آذربایجان غربی، کرمانشاه، ایلام، کهگیلویه و بویراحمد، گلستان، کردستان، چهارمحال و بختیاری، کرمان، هرمزگان، خراسان جنوبی	خراسان رضوی، اردبیل، همدان، بوشهر، زنجان، قزوین، فارس، مرکزی، آذربایجان شرقی، گیلان، قم، مازندران، اصفهان، البرز، تهران، سمنان، یزد

بررسی شروط علی منفرد مؤثر بر قانون‌گزیزی براساس سطح توسعه‌یافتگی

در این قسمت، براساس دسته‌بندی انجام‌شده، به بررسی دوباره شروط علی منفرد در هر دسته یعنی استان‌های کمتر توسعه‌یافته و استان‌های بیشتر توسعه‌یافته پرداخته شده است که نتایج آن در جدول (۶) مشاهده می‌شود.

^۱ در این بخش منظور ما از توسعه، توسعه اجتماعی است که با چگونگی و شیوه زندگی افراد یک جامعه در ارتباط تنگاتنگ است.

^۲ در هر دو ستون، استان‌ها برحسب سطح توسعه به ترتیب از کم به زیاد نوشته شده‌اند.

جدول شماره (۶). تحلیل علی منفرد شروط مؤثر بر قانون‌گریزی بر حسب سطح توسعه‌یافتگی

نظری بعد	شرط علی	استان‌های کمتر توسعه‌یافته			استان‌های بیشتر توسعه‌یافته		
		شاخص ضرورت	شاخص کفایت	نوع شرط	شاخص ضرورت	شاخص کفایت	نوع شرط
عوامل نگرشی و ذهنی	احساس عدالت کم	۰/۷۰	۰/۸۴	کافی	۰/۷۵	۰/۸۶	کافی
	احساس امنیت کم	۰/۷۴	۰/۵۶	-	۰/۶۷	۰/۹۴	کافی
	اعتماد نهادی کم	۰/۶۲	۰/۵۷	-	۰/۶۰	۰/۸۵	کافی
	سردرگمی اجتماعی	۰/۸۵	۰/۶۸	لازم	۰/۸۱	۰/۸۰	لازم
	فردگرایی منفی	۰/۶۷	۰/۵۹	-	۰/۵۹	۰/۷۳	-
	دین‌داری ضعیف	۰/۶۷	۰/۵۵	-	۰/۶۴	۰/۷۳	-
	گرایش به نظم کم	۰/۸۱	۰/۷۱	لازم	۰/۷۰	۰/۹۱	کافی
	احساس آزادی اجتماعی کم	۰/۷۹	۰/۵۸	لازم	۰/۴۰	۰/۶۴	-
	گرایش به مصرف‌تظاهری	۰/۵۸	۰/۷۰	-	۰/۴۷	۰/۶۳	-
عوامل ساختاری و بیرونی	بیکاری	۰/۸۹	۰/۵۷	لازم	۰/۷۰	۰/۷۸	کافی
	شهرنشینی	۰/۵۰	۰/۸۰	کافی	۰/۷۵	۰/۷۳	لازم
	مشارکت اقتصادی کم	۰/۷۳	۰/۵۸	-	۰/۴۷	۰/۶۸	-
	سواد	۰/۸۱	۰/۷۳	لازم	۰/۸۶	۰/۷۴	لازم
	نابرابری اقتصادی	۰/۷۰	۰/۶۲	-	۰/۵۱	۰/۷۸	کافی

بر اساس جدول (۶)، هر شش عاملی که در تحلیل علی منفرد در بین کل استان‌های کشور مؤثر بودند، یعنی احساس عدالت کم، گرایش به نظم کم، سردرگمی اجتماعی، سواد، شهرنشینی و بیکاری، در این دسته‌بندی نیز جزو عوامل مؤثرند. در بین استان‌های کمتر توسعه‌یافته، علاوه بر شش عامل ذکر شده، عامل احساس آزادی اجتماعی کم نیز جزو عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی است. همچنین، در بین استان‌های بیشتر توسعه‌یافته، سه عامل احساس امنیت کم، اعتماد نهادی کم و نابرابری اقتصادی در کنار شش عامل ذکر شده بر قانون‌گریزی مؤثرند.

علیت‌های عطفی و ترکیبی در بین استان‌های بیشتر توسعه‌یافته

با توجه به تحلیل علی منفرد انجام‌شده در مورد استان‌های بیشتر توسعه‌یافته، ۹ شرط بر قانون‌گریزی مؤثر بودند؛ بر این اساس، نرم‌افزار FSQCA با ایجاد الگوریتم صدق و کذب فازی، ترکیب‌های ممکن این شروط علی را محاسبه کرد و فراوانی موارد را در هر ترکیب نشان داد. از ترکیب این ۹ شرط، ۵۱۲ حالت یا مسیر ممکن حاصل شد که از این ۵۱۲ مسیر ممکن، ۱۲ حالت دارای مصادیق تجربی بودند. با توجه به حجم نمونه (۱۷ استان)، همه مسیرهایی که دارای مصادیق

تجربی بودند حفظ شدند. از بین این ۱۲ مسیر، ترکیب‌هایی که دارای سازگاری بیشتر از آستانه تعیین‌شده یعنی ۰/۸۵ بودند (هشت مسیر)، به‌عنوان مسیرهای منجر به قانون‌گزینی در استان‌های بیشتر توسعه‌یافته انتخاب شدند. پس از استفاده از قواعد ساده‌سازی فازی، درنهایت شش مسیر به‌عنوان مسیر نهایی در بررسی شروط مؤثر بر قانون‌گزینی در استان‌های بیشتر توسعه‌یافته باقی ماندند (جدول ۷).

جدول شماره (۷). نتیجه نهایی مسیرهای علی منجر به قانون‌گزینی در بین استان‌های بیشتر توسعه‌یافته

ردیف	مسیر علی	شاخص مسیر		شاخص کل	
		سازگاری	پوشش	سازگاری کل	پوشش کل
۱	احساس عدالت کم * گرایش به نظم کم * سردرگمی اجتماعی * نابرابری اقتصادی	۱	۰/۳۷		
۲	احساس عدالت کم * احساس امنیت کم * گرایش به نظم کم * سردرگمی اجتماعی * سواد * شهرنشینی	۰/۹۷	۰/۴۰		
۳	احساس عدالت کم * احساس امنیت کم * گرایش به نظم کم * سواد * شهرنشینی * بیکاری	۰/۹۸	۰/۳۴		
۴	احساس عدالت کم * احساس امنیت کم * گرایش به نظم کم * اعتماد نهادی کم * سردرگمی اجتماعی * سواد * بیکاری	۱	۰/۳۴	۰/۹۷	۰/۵۹
۵	احساس امنیت کم * گرایش به نظم کم * اعتماد نهادی کم * سردرگمی اجتماعی * نابرابری اقتصادی * سواد * بیکاری	۱	۰/۲۸		
۶	احساس عدالت کم * گرایش به نظم کم * اعتماد نهادی کم * سردرگمی اجتماعی * شهرنشینی * سواد * بیکاری	۱	۰/۳۴		

براساس جدول (۷)، در مسیر اول، ترکیب پنج شرط، در مسیرهای دوم و سوم، ترکیب شش شرط و در مسیرهای چهارم تا ششم، ترکیب هفت شرط با یکدیگر به قانون‌گزینی منجر می‌شوند. همچنین، مشاهده می‌شود که ضریب سازگاری کل در این شش مسیر علی برابر با ۰/۹۷ است. این میزان سازگاری همراه با شاخص پوشش برابر با ۰/۵۹، بیانگر اهمیت نظری و تجربی این شش مسیر است؛ یعنی این شش مسیر در کنار هم تقریباً به‌طور کامل در داخل مجموعه قانون‌گزینی قرار می‌گیرند و به میزان ۰/۵۹ از مجموعه قانون‌گزینی را پوشش می‌دهند. در توضیح بیشتر مسیرهای

منجر به قانون‌گریزی در بین استان‌های بیشتر توسعه‌یافته می‌توان گفت ترکیبات متفاوتی از پنج عامل نگرشی و چهار عامل ساختاری منجر به قانون‌گریزی شده‌اند. از این بین، عامل گرایش به نظم کم که براساس نظریهٔ کج‌رفتاری دورکیم و نظریهٔ کج‌رفتاری چلبی زمینه‌ساز قانون‌گریزی است، در تمام شش مسیر منجر به قانون‌گریزی در استان‌های بیشتر توسعه‌یافته حضور دارد؛ به عبارت دیگر، براساس یافته‌های ذکر شده می‌توان گفت گرایش به نظم کم شرط لازم برای قانون‌گریزی در استان‌های بیشتر توسعه‌یافته است؛ بنابراین، اگر بتوان در استان‌های بیشتر توسعه‌یافته گرایش به نظم را افزایش داد می‌توان اطمینان داشت که قانون‌گریزی به میزان درخور ملاحظه‌ای کاهش می‌یابد. همچنین، دو عامل سردرگمی اجتماعی و احساس عدالت کم که به ترتیب براساس نظریه‌های کج‌رفتاری دورکیم و چلبی زمینه‌ساز قانون‌گریزی هستند، در پنج مسیر از شش مسیر منجر به قانون‌گریزی در استان‌های بیشتر توسعه‌یافته پژوهش حاضر هستند. علاوه بر شش عامل علی منجر به قانون‌گریزی در کل استان‌های کشور، سه عامل امنیت کم، نابرابری اقتصادی و اعتماد نهادی کم به‌طور خاص تنها در استان‌های بیشتر توسعه‌یافته و در برخی از مسیرهای علی منجر به قانون‌گریزی مشاهده می‌شوند.

علیت‌های عاطفی و ترکیبی در بین استان‌های کمتر توسعه‌یافته

با توجه به تحلیل علی منفرد انجام‌شده در مورد استان‌های کمتر توسعه‌یافته، ۷ شرط بر قانون‌گریزی مؤثر بودند؛ براین اساس، نرم‌افزار FSQCA با ایجاد الگوریتم صدق و کذب فازی، ترکیب‌های ممکن این شروط علی را محاسبه کرد و فراوانی موارد را در هر ترکیب نشان داد. از ترکیب این ۷ شرط، ۱۲۸ حالت یا مسیر ممکن حاصل شد که از این ۱۲۸ مسیر ممکن، ۱۱ حالت دارای مصادیق تجربی بودند. با توجه به حجم نمونه (۱۴ استان)، همهٔ مسیرهایی که دارای مصادیق تجربی بودند حفظ شدند. از میان این ۱۱ مسیر، ترکیب‌هایی که دارای سازگاری بیشتر از آستانهٔ تعیین‌شده یعنی ۰/۸۵ بودند (هفت مسیر)، به‌عنوان مسیرهای منجر به قانون‌گریزی در استان‌های کمتر توسعه‌یافته انتخاب شدند. پس از استفاده از قواعد ساده‌سازی فازی، در نهایت چهار مسیر زیر به‌عنوان مسیر نهایی، در بررسی شروط مؤثر بر قانون‌گریزی در استان‌های کمتر توسعه‌یافته باقی ماندند (جدول ۸).

جدول شماره (۸). نتیجهٔ نهایی مسیرهای علی منجر به قانون‌گریزی در بین استان‌های کمتر توسعه‌یافته

ردیف	مسیر علی	شاخص مسیر		شاخص کل	
		سازگاری	پوشش	سازگاری کل	پوشش کل
۱	گرایش به نظم کم * باسواد * سردرگمی اجتماعی	۰/۹۱	۰/۶۶	۰/۹۱	۰/۸۳
۲	احساس عدالت کم * سردرگمی اجتماعی * بیکاری *	۰/۹۶	۰/۵۶	۰/۹۱	۰/۸۳

ردیف	مسیر علی	شاخص مسیر		شاخص کل	
		سازگاری	پوشش	سازگاری کل	پوشش کل
	احساس آزادی اجتماعی کم				
۳	احساس عدالت کم * گرایش به نظم کم * شهرنشینی * بیکاری	۰/۹۹	۰/۴۵		
۴	سردرگمی اجتماعی * احساس آزادی اجتماعی کم * سواد * بیکاری	۰/۸۹	۰/۵۷		

براساس جدول (۸)، در مسیر اول، ترکیب سه شرط و در مسیرهای دوم تا چهارم، ترکیب چهار شرط با یکدیگر به قانون‌گزینی منجر می‌شود. همچنین، ضریب سازگاری کل در این چهار مسیر علی برابر با ۰/۹۱ است. این میزان سازگاری همراه با شاخص پوشش برابر با ۰/۸۳، بیانگر اهمیت نظری و تجربی این چهار مسیر است؛ یعنی این چهار مسیر در کنار هم تقریباً به‌طور کامل در داخل مجموعه قانون‌گزینی قرار می‌گیرند و به میزان ۰/۸۳ از مجموعه قانون‌گزینی را پوشش می‌دهند. در توضیح بیشتر مسیرهای منجر به قانون‌گزینی در بین استان‌های کمتر توسعه‌یافته، می‌توان گفت ترکیبات متفاوتی از چهار عامل نگرشی و سه عامل ساختاری به قانون‌گزینی منجر شده‌اند. در این بین، سردرگمی اجتماعی و بیکاری که به ترتیب بر مبنای نظریه دورکیم و نظریه چلبی زمینه‌ساز قانون‌گزینی هستند، در سه مسیر از چهار مسیر منجر به قانون‌گزینی حضور دارند؛ بنابراین، براساس یافته‌های این پژوهش می‌توان انتظار داشت که با کاهش سردرگمی اجتماعی و بیکاری در استان‌های کمتر توسعه‌یافته، قانون‌گزینی به‌طور درخور ملاحظه‌ای کاهش می‌یابد. همچنین، توجه به عامل آزادی‌های اجتماعی کم که تنها در مسیرهای منجر به قانون‌گزینی در استان‌های کمتر توسعه‌یافته مشاهده می‌شود برای کاهش قانون‌گزینی در این استان‌ها ضروری به‌نظر می‌رسد؛ زیرا، بر مبنای نظریه کچرفتاری چلبی آزادی‌های اجتماعی بستری را برای انجام اهداف مشروع فردی و تحقق حقوق انسانی فراهم می‌کنند و نبود آن‌ها می‌تواند زمینه وقوع قانون‌گزینی و قانون‌شکنی را افزایش دهد.

بحث و نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در مورد عوامل مؤثر بر قانون‌گزینی ذکر چند نکته لازم است. نخست همان‌طور که در پیشینه پژوهش (جدول ۱) ذکر شده است، عوامل بسیار زیادی در قانون‌گزینی در جامعه ایران نقش دارند و این عوامل، تنها عوامل مؤثر بر قانون‌گزینی نیستند؛ بلکه عواملی بر مبنای چارچوب نظری پژوهش و

بر پایه داده‌های موجود و در دسترس پژوهشگر هستند؛ دوم این‌که، با وجود تأثیر عوامل ذهنی و نگرشی در تبیین قانون‌گریزی در این پژوهش باید توجه داشت ایجاد تغییر در این عوامل بیشتر از آن‌که فرد را هدف قرار دهد ساختار را در نظر می‌گیرد؛ سوم این‌که، براساس نتایج به‌دست‌آمده از بررسی ترکیبی عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی براساس سطح توسعه‌یافتگی، مشخص شد که هیچ‌کدام از این عوامل به‌تنهایی شرط لازم یا کافی برای قانون‌گریزی نیستند؛ یعنی در چهار ترکیب به‌دست‌آمده برای استان‌های کمتر توسعه‌یافته و شش ترکیب حاصل‌شده برای استان‌های بیشتر توسعه‌یافته، اول این‌که هیچ عامل منفردی به‌عنوان یک ترکیب وجود ندارد (هیچ عاملی به‌تنهایی شرط کافی نیست) و دوم این‌که هیچ عاملی در تمام مسیرها و ترکیبات حضور ندارد^۱ (هیچ عاملی به‌تنهایی شرط لازم نیست)؛ به‌عبارت‌دیگر، هریک از عوامل یک شرط علی ناکازم^۲ برای قانون‌گریزی هستند؛^۳ چهارم این‌که، در بین عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی، سه عامل احساس عدالت کم، گرایش به نظم کم و احساس سردگمی اجتماعی در بُعد نگرشی و ذهنی و سه عامل باسوادی، شهرنشینی و بیکاری در بُعد ساختاری و بیرونی، در ترکیبات منجر به قانون‌گریزی در کل کشور حضور داشتند. علاوه بر عوامل ذکرشده، در بین استان‌های کمتر توسعه‌یافته، احساس آزادی اجتماعی کم نیز به‌ترکیبات منجر به قانون‌گریزی اضافه شد. همچنین، در بین استان‌های بیشتر توسعه‌یافته، سه عامل احساس امنیت کم، اعتماد نهادی کم و نابرابری اقتصادی در کنار عوامل ذکرشده بر قانون‌گریزی مؤثر بودند. توجه به عوامل مختص به هر دسته در کنار توجه به عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی در کل کشور به‌منظور کاهش قانون‌گریزی، ضروری به‌نظر می‌رسد.

در این پژوهش، عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی با توجه به هیچ‌کدام از این نظریه‌ها به‌طور کامل تأیید یا رد نشدند؛ یعنی با توجه با این‌که رویکرد استفاده از نظریه‌های ذکرشده بر مبنای تابع رفتار چلبی (به‌صورت ترکیبی) بود و عوامل مستخرج از این نظریه‌ها در کنار هم و به شکل ترکیبی بررسی شدند، اما تمام عوامل هیچ‌کدام از نظریه‌های ذکرشده جزو شروط علی منفرد مؤثر بر قانون‌گریزی قرار نگرفتند و وارد ترکیبات علی نشدند.

در مورد میزان تطابق نتایج این پژوهش با پژوهش‌های پیشین، ابتدا باید گفت که این پژوهش هم به لحاظ سطح تحلیل (سطح استان‌ها) و هم از حیث نوع تحلیل (تطبیقی-فازی) متفاوت با پژوهش‌های انجام‌گرفته در این حوزه است؛ بنابراین، به‌نظر می‌رسد مقایسه و انطباق نتایج چندان

^۱ به‌جز عامل «گرایش به نظم کم»، در بین استان‌های بیشتر توسعه‌یافته که در تمام شش مسیر حاضر است.

^۲ نخستین بار دکتر عبدالکریم سروش با برش و ترکیب دو واژه «لازم» و «کافی»، واژه «علیت ناکازم» را به‌کار برد.

^۳ شرط ناکازم یک شرط ناکافی، ولی لازم است که خود جزئی از شرایطی است که برای حدوث نتیجه کافی، ولی نالازم است (لیتل، ۱۳۷۳)؛ برای مثال، فرض کنید Y از ترکیب دو شرط AB و یا CD رخ دهد؛ یعنی $Y = AB + CD$. در این صورت هریک از شروط A, B, D و C یک شرط ناکازم برای Y هستند.

موضوعیت ندارد اما با تسامح می‌توان گفت از بین عوامل بررسی‌شده در این پژوهش در بُعد نگرشی و ذهنی، تأثیر عامل احساس عدالت کم بر قانون‌گزیزی با نتایج پژوهش‌های علی‌بابایی و فیروزجائیان (۱۳۸۸)، دانایی‌فرد و همکاران (۱۳۸۹)، جوادی‌یگانه و همکاران (۱۳۸۹)، فیروزجائیان (۱۳۸۹)، برزگری و چهارگنبدی (۱۳۹۲) و فیروزجائیان و هاشمی (۱۳۹۵) هم‌راستاست. همچنین، تأثیر عامل سردرگمی اجتماعی بر قانون‌گزیزی با نتایج پژوهش‌های رضایی (۱۳۸۴)، علی‌بابایی و فیروزجائیان (۱۳۸۸) و مظفری‌نیا و همکاران (۱۳۹۳) همسوست. تأثیر عامل اعتماد نهادی کم بر قانون‌گزیزی نیز با یافته‌های مطالعات رضایی (۱۳۸۴)، علی‌بابایی و فیروزجائیان (۱۳۸۸)، فیروزجائیان (۱۳۸۹)، جوادی‌یگانه و همکاران (۱۳۸۹)، هلالی و خیاطی (۱۳۹۱) و برزگری و چهارگنبدی (۱۳۹۲) مطابقت دارد. از بین عوامل بررسی‌شده در بُعد ساختاری و بیرونی، تأثیر عامل سواد بر قانون‌گزیزی با نتایج پژوهش‌های رضایی (۱۳۸۴)، علی‌بابایی و فیروزجائیان (۱۳۸۸)، حقیقتیان و فرنام (۱۳۹۱)، عزیزی و پرتویی (۱۳۹۴)، فیروزجائیان و هاشمی (۱۳۹۵) همخوانی ندارد. در تبیین این ناهمخوانی می‌توان گفت در این پژوهش مراد از باسوادی صرفاً سواد خواندن و نوشتن است، اما در پژوهش‌های پیشین میزان تحصیلات سنجیده شده است و می‌توان پیش‌بینی کرد که رابطه وضع سواد با قانون‌گزیزی رابطه‌ای U شکل باشد؛ یعنی تا نقطه‌ای (به فرض دیپلم) با افزایش سواد قانون‌گزیزی افزایش می‌یابد، اما پس از آن، افزایش سواد موجب کاهش قانون‌گزیزی می‌شود. همچنین، در بین دیگر عوامل بُعد ساختاری و بیرونی، تأثیر عامل شهرنشینی بر قانون‌گزیزی با نتایج پژوهش‌های عزیزی و پرتویی (۱۳۹۴) و تأثیر عامل بیکاری بر قانون‌گزیزی با نتایج پژوهش‌های علی‌بابایی و فیروزجائیان (۱۳۸۸)، دانایی‌فرد و همکاران (۱۳۸۹)، محمدی و علیمحمدی (۱۳۹۲) و عزیزی و پرتویی (۱۳۹۴) مطابقت دارد.

با توجه به کندوکاوهای انجام‌شده در زمینه موضوع پژوهش و بررسی پیشین پژوهش، نکته‌ها و اطلاعات دریافتی در فرایند انجام این مطالعه، پیشنهادهایی کاربردی و روشی ارائه می‌شوند که عبارت‌اند از:

- ۱- انجام پژوهش‌های کیفی در زمینه قانون‌گزیزی و قانون‌شکنی در استان‌های کشور و مقایسه نتایج آن‌ها با یکدیگر؛
- ۲- تحلیل مجموعه‌ای و فازی پژوهش‌های اجتماعی در کنار پژوهش‌های کمی و آماری و مقایسه نتایج آن‌ها با یکدیگر؛
- ۳- توجه به تفاوت‌های مفهومی قانون‌گزیزی و قانون‌شکنی در پژوهش‌های آینده؛
- ۴- تبیین و تحلیل همبستگی پنج دسته جرائم استفاده‌شده در این پژوهش؛

- ۵- سنجش گویه‌های پیمایش‌های ملی با یک شاخص برای ایجاد امکان مقایسه و همچنین، درجه‌بندی گویه‌ها بین نمره صفر تا صد^۱ برای سنجش دقیق‌تر؛
- ۶- داشتن نگاه ترکیبی (و نه مستقل) به عوامل مؤثر بر پدیده‌های اجتماعی.

منابع

- آشتیانی، منوچهر (۱۳۸۱)، «درباره برخی علل تاریخی عدم حاکمیت قانون در جامعه ایران»، در معماری حاکمیت قانون در ایران، تهران: طرح نو.
- آقائی، هادی، مهدوی، محمدصادق (۱۳۹۱)، «بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی بر قانون‌گرایی شهروندان (مطالعه موردی تبریز)»، فصلنامه دانش انتظامی، ۵۶، ۱۵۱-۱۸۸.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۷)، *جامعه‌شناسی توسعه*، تهران: نشر کلمه.
- الفت، محمدباقر (۱۳۹۴)، «معاون رئیس قوه قضاییه در دیدار رئیس سازمان بازرسی دانمارک: نرخ رشد جرائم در سال‌های اخیر نگران‌کننده است»، پایگاه اطلاع‌رسانی «تابناک»، بازیابی‌شده در ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۴، از <https://www.tabnak.ir/fa/news/497368>
- برزگری، فاطمه و چهارگنبدی، حمید (۱۳۹۲)، «بررسی میزان قانون‌گریزی و عوامل مؤثر بر آن در شهرستان کرمان»، *دانش انتظامی کرمان*، ۵، ۵، ۶۳-۷۷.
- جوادی یگانه، محمدرضا؛ فولادیان، مجید؛ رضایی بحرآباد، حسن (۱۳۸۹)، «بررسی عوامل مؤثر بر قانون‌گرایی در نظام اداری کشور (با تأکید بر ادارات دولتی مشهد و تهران)»، *فصلنامه دانش ارزیابی*، ۲، ۵، ۹-۳۵.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۶)، *تحلیل اجتماعی در فضای کنش*، تهران: نشر نی.
- چلبی، مسعود و جنادله، علی (۱۳۸۶)، «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر موفقیت اقتصادی»، پژوهشنامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی (ویژه‌نامه جامعه‌شناسی)، ۵۳، ۱۱۷-۱۵۴.
- چلبی، مسعود و مبارکه، محمد (۱۳۸۴)، تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطوح خرد و کلان»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۶، ۹، ۳-۴۴.
- چلبی، آزاده (۱۳۹۸)، *فساد و مقبولیت قانون: از منظر جامعه‌شناسی حقوق*، تهران: نشر نی.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، *جامعه‌شناسی نظم*، تهران: نشر نی.
- حقیقتیان، منصور و فرنام، محمد (۱۳۹۱)، «بررسی عوامل اجتماعی رعایت قوانین شهروندی در بین شهروندان اردبیلی»، *مجله مطالعات جامعه‌شناسی شهری*، ۴، ۱۷۱-۲۱۴.

^۱ برای مثال، در یک طیف لیکرت، در بالای گزینه «خیلی کم» بازه ۰-۲۰، در بالای گزینه «کم» بازه ۲۰-۴۰، در بالای گزینه «تاحدودی» بازه ۴۰-۶۰، در بالای گزینه «زیاد» بازه ۶۰-۸۰ و در بالای گزینه «خیلی زیاد» بازه ۸۰-۱۰۰ درج شود.

- حیدری، آرش؛ رضادوست، کریم؛ فروتن‌کیا، شهروز (۱۳۹۱)، «نظریه از هم‌گسیختگی نهادی و قانون‌گزیزی: مطالعه دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز»، مسائل اجتماعی ایران (دانشگاه خوارزمی)، ۳(۲)، ۳۹-۵۹.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۱)، «بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی»، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مدظله العالی)، بازیابی‌شده در ۲۱ مهر ۱۳۹۲، از <http://www.farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>
- خدایاری، سیاوش؛ جهانبخش، اسماعیل؛ حقیقتیان، منصور (۱۳۹۶)، «رابطه سرمایه اجتماعی با قانون‌گزیزی: تبیینی جامعه‌شناختی»، *مدیریت سرمایه اجتماعی*، ۴(۲)، ۲۸۲-۲۹۵.
- دانایی‌فرد، حسن؛ آذر، عادل؛ صالحی، علی (۱۳۸۸)، «قانون‌گزیزی در ایران: تبیین نقش عوامل سیاسی، اقتصادی، قانونی، مدیریتی و اجتماعی- فرهنگی»، *فصلنامه دانش انتظامی*، ۱۱(۳)، ۶۵-۷.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۱)، *درباره تقسیم کار اجتماعی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر مرکز.
- رابینگتن، ارل و اینبرگ، مارتین (۱۳۸۲)، *رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی*، ترجمه رحمت‌الله صدیق سروسستانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رزاقی، نادر (۱۳۷۷)، «توسعه اقتصادی، اجتماعی و قانون‌شکنی»، در قانون و قانون‌گرایی و تأثیر آن بر فرهنگ عمومی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- رضایی، محمد (۱۳۸۴)، «میزان، نوع و عوامل مؤثر بر قانون‌گزیزی»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۶(۳)، ۴۱-۵۴.
- ریگین، چارلز (۱۳۸۸)، *روش تطبیقی (فراسوی راهبردهای کمی و کیفی)*، ترجمه محمد فاضلی، تهران: نشر آگه.
- ریگین، چالز (۱۳۹۴)، *بازطراحی بررسی اجتماعی مجموعه‌های فازی و فراتر از آن*، ترجمه خلیل میرزایی، هادی برغمندی و فرید ناهید، تهران: نشر فوژان.
- زارع شاه‌آبادی، اکبر؛ ترکان، رحمت‌الله (۱۳۹۱)، «رابطه سرمایه اجتماعی و قانون‌گزیزی در بین شهروندان شهر یزد»، *مجله مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۲۷، ۸۴-۱۱۸.
- سالنامه آماری کشور (۱۳۹۴)، سازمان برنامه و بودجه ایران، تهران: مرکز آمار ایران.
- سالنامه آماری کشور (۱۳۹۴)، سازمان برنامه و بودجه ایران، تهران: مرکز آمار ایران.
- ساعی، علی (۱۳۹۲)، *روش پژوهش تطبیقی با رویکرد تحلیل کمی، تاریخی و فازی*، تهران: نشر آگه.
- سیفی قره‌یتاق، داود؛ خالقی، ابوالفتح؛ مهدی‌پور، محمد (۱۳۹۴)، «بررسی جرم‌شناختی تأثیر عوامل فردی و خانوادگی بر حجم و ساخت بزهکاری»، *پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی*، ۱۰(۴)، ۹-۳۶.
- عبداللهی، محمد (۱۳۷۸)، «موانع قانون‌گرایی و راه‌های مقابله با آن»، در قانون‌گرایی و فرهنگ عمومی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- عبدی، عباس (۱۳۸۱)، «نارسایی‌های قانون و حقوق در فرهنگ عمومی»، در معمای حاکمیت قانون در ایران، تهران: طرح نو.

- عزیزی، سلام و پرتویی، لطیف (۱۳۹۴)، «تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با میزان قانون‌گریزی شهروندان شهر مریوان در سال ۹۴-۱۳۹۳»، *مطالعات جامعه‌شناسی*، ۸(۲۹)، ۱۱۳-۱۳۳.
- علی‌بابایی، یحیی و فیروزجائیان، علی‌اصغر (۱۳۸۸)، «تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی»، *فصلنامه دانش‌انتظامی*، ۴۵، ۷-۵۸.
- علی‌وردی‌نیا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، «مطالعه جامعه‌شناختی میزان قانون‌ستیزی در استان مازندران»، در قانون و قانون‌گرایی و تأثیر آن بر فرهنگ عمومی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- علی‌وردی‌نیا، علی‌اکبر (۱۳۸۳)، «تحلیل اجتماعی سرقت در ایران»، *دوفصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۲۱(۲)، ۱۶۵-۱۹۶.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۸۸)، «منطق پژوهش تطبیقی»، *مطالعات اجتماعی ایران*، ۳(۴)، ۷۶-۹۲.
- فولادیان، مجید؛ توکل، محمد؛ سوهانیان حقیقی، محسن (۱۳۹۷)، «بررسی رابطه توسعه تکنولوژیک با ابعاد توسعه اجتماعی (مطالعه تطبیقی استان‌های کشور)»، *دوفصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۱۵(۱)، ۱۸۹-۲۲۰.
- فیاض، ابراهیم (۱۳۷۸)، «جامعه‌هنجارمند و جامعه قانون‌مند با توجه به فرهنگ عمومی» در قانون‌گرایی و فرهنگ عمومی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فیروزجائیان، علی‌اصغر و هاشمی، سیدضیا (۱۳۹۵)، «قانون‌گریزی به‌مثابه آنومی اجتماعی»، *فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی*، ۴۷، ۸۱-۱۰۶.
- قادری، حاتم (۱۳۸۱)، «تبارشناسی یک مشکل»، در معمای حاکمیت قانون در ایران، تهران: طرح نو.
- قاسمی، وحید (۱۳۹۳)، *سیستم‌های استنباط فازی و پژوهش‌های اجتماعی*، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- قاضی‌مرادی، حسن (۱۳۷۸)، *خودمداری ایرانیان*، تهران: انتشارات ارمغان.
- کلانتری، صمد؛ ربانی، رسول؛ صداقت، کامران (۱۳۸۴)، «ارتباط فقر با قانون‌گریزی و شکل‌گیری آسیب اجتماعی»، *فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی*، ۵(۱۸)، ۶۵-۹۰.
- گزارش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۹۴)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- گزارش سنجش سرمایه اجتماعی کشور (۱۳۹۴)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- گولد، جولیس و کولب، ویلیام (۱۳۷۶)، *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه مصطفی ازکیا، تهران: نشر مازیار.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۶۸)، *دورکیم*، ترجمه یوسف ابادری، تهران: انتشارات خوارزمی.
- لطفی، عزت‌الله و فیض‌پور، محمدعلی (۱۳۹۳)، «رشد صنعتی و جرم شواهدی از استان‌های کشور طی برنامه‌های سوم و چهارم توسعه»، *فصلنامه مجلس و راهبرد*، ۲۱(۸۰)، ۳۹-۶۰.

لهمان، جنیفر (۱۳۸۵)، *ساخت‌شکنی دورکیم نقدی پس‌اساختارگرایانه*، ترجمه شهناز مسمی‌پرست، تهران: نشر نی.

لیتل، دانیل (۱۳۷۳)، *تبیین در علوم اجتماعی: درآمدی بر فلسفه علم الاجتماع*، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران: انتشارات صراط.

محسنی، رضاعلی (۱۳۹۱)، «تحلیل جامعه‌شناختی قانون‌گزیزی و راهکارهایی برای قانون‌گرایی و نظم عمومی»، *پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی*، ۱۷، ۸۳-۱۰۸.

محمدی‌نیکو، اکرم و علیمحمدی، غلامعلی (۱۳۹۲)، «بررسی عوامل مؤثر بر قانون‌گزیزی در بین شهروندان شهر گرگان»، *فصلنامه دانش انتظامی گلستان*، ۴(۱۴)، ۸-۴۱.

مختاری، مریم و قهرمانی، مریم (۱۳۹۰)، «عوامل اجتماعی مؤثر بر امکان قانون‌گزیزی در روابط اداری (مورد مطالعه: شهروندان بالای ۱۸ سال شهر شیراز)»، *مجله راهبرد اجتماعی و فرهنگی*، ۱، ۱-۱۲۷-۱۴۶.

مظفری‌نیا، سهراب؛ صفری، نوش‌آفرین؛ طاهری، زهرا (۱۳۹۳)، «رابطه سرمایه اجتماعی و انواع قانون‌گزیزی در بین کارکنان دولت در شهر خرم‌آباد»، *نشریه علوم رفتاری*، ۶(۱۹)، ۱۴۷-۱۷۲.

میرفردی، اصغر؛ مختاری، مریم؛ فرجی، فروغ؛ دانش‌پذیر، هومن (۱۳۹۴)، «بررسی تأثیر فرهنگ شهروندی بر میزان گرایش به قانون‌گزیزی (مورد مطالعه: شهر یاسوج)»، *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران*، ۴(۲)، ۱-۲۰.

میرفردی، اصغر و فرجی، فروغ (۱۳۹۵)، «بررسی میزان گرایش به قانون‌گزیزی و رابطه آن با میزان مشارکت اجتماعی و میزان کنترل اجتماعی در شهر یاسوج»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۶۲، ۹۳-۱۱۰.

واحدی، شهرام؛ بدری، رحیم؛ مصرآبادی، جواد (۱۳۸۸)، «بررسی عوامل مؤثر بر قانون‌گرایی شهروندان (مطالعه موردی: شهروندان استان آذربایجان غربی)»، *فصلنامه علمی-پژوهشی انتظام اجتماعی*، ۱(۲)، ۳۷-۶۰.

هلالی، فاطمه و خیاطی، فاطمه (۱۳۹۱)، «ارائه الگوی سنجش سطوح قانون‌پذیری دانشجویان دانشگاه‌های تهران با تأکید بر مدل آجیل پارسونز»، *پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی*، ۱۷، ۱۰۹-۱۳۶.

یوسفی، علی و اکبری، حسین (۱۳۹۵)، «وضعیت ارتکاب و دگرگونی الگوی جرم»، در مجموعه مقالات گزارش وضعیت اجتماعی کشور، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

Boessena, A., Hipp, J. R., Butts, C. T., Nagle, N. N., & Smith, E. J. (2016), "Social fabric and fear of crime: Considering spatial location and time of day", *Social Networks*, 51(1), 60-72.

Buzan, B. (1991), *People, states and fear*, London: Harvester Wheatsheaf.

Clinard, M. (1968), *Sociology of deviant behavior*. New York: Holt, Rinehart and Winston inc.

Ferrer, R. (2009), "Breaking the law. When other do: A model of law enforcement with neighborhood externalities", *European Economic Review*, 54 (2), 163-180.

- Glaeser, E. L., Laibson, D., Sacerdote, B. (2002), "An economic approach to social capital", *The Economic Journal*, 112 (483), 437-458.
- Jacobs, G., & Cleverland, R. (1999), "Social development theory", Retrieved July 7, 2010 from http://www.icpd.org/development_theory/SocialDevTheory.html.
- Kort, L., & Habecker, P. (2017), "Framing and cultivating the story of crime: The effects of media use, victimization, and social networks on attitudes about crime", *Criminal Justice Review*, 42(2), 127-146.
- Lerner, D. (1958), *The passing of traditional society: Modernizing the Middle East*, New York: Free Press.
- Merton, R. (1971), *Social structure and anomie*, New York: Macmillan Company.
- Moore, M., & Recker, N. (2016), "Social capital, type of crime, and social control", *Crime & Delinquency*, 62(6), 728-747.
- Putnam, R., Leonardi, R., & Nanetti, R. (2000), *Making democracy work: Civic traditions in modern Italy*, Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Orru, M. (1987), *Anomia: History and meanings*, Allen and Unwin Raad.
- Putnam, R., Leonardi, R., & Nanetti, R. (2000), *Making democracy work: Civic traditions in modern Italy*, Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Sampson, R., & Groves, W. (1989), "Community structure and crime: Testing social-disorganization theory", *American Journal of Sociology*, 94(4), 774-802.
- Takagi, D., Ikea, K., Kobayashi, T., Harihara, M., & Kawachi, I. (2015), "The impact of crime on social ties and civic participation", *Journal of Community & Applied Social Psychology*, 26(2), 164-178.
- Tyler, T. R., & Faggan, J. (2008), "Legitimacy and cooperation: Why do people help the police fight crime in their communities?" *Ohio State Journal of Criminal Law*, 6, 231-275.
- Tyler, T. R., & Darley, J. (2000), "Building a law-abiding society: Taking public views about morality and the legitimacy of legal authority into account when formulating substantive law", *Hofstrat law Review*, 28, 707-739.
- Wilsem, J. (2004), "Criminal victimization in cross-national perspective: Analysis of rates of theft, violence and vandalism across 27 countries", *European Journal of Criminology*, 1(1), 89-109.
- Xin-Quan, L. (2008), "On law-abiding and religion", *Journal of Guangxi Youth Leaders College*, 2(1), 84-95.